



An Analysis of Quranic Strategies for Human Engagement with Favorable Life Events Based on the Types of Verses on Mercy and Affliction

Hamze Ali Bahrami¹ Maryam Sadat Hashemi²
Samira Abbaspour³



Received: 2024/09/02 • Revised: 2024/12/05 • Accepted: 2025/04/14 • Published online: 2025/05/28

Abstract

In life, humans encounter favorable events whose inner dimensions may remain unknown to them. Sometimes, the inner reality of the event is truly favorable, while at other times it may be a hidden affliction. Since the manner of facing such events affects the degree to which one benefits from divine mercy and attains correct insight—and as the Quran is the primary reference in this regard—research into this subject is deemed necessary. This study, using a descriptive-analytical method, examines Quranic verses related to mercy (*rahmah*) and affliction (*niqmah*), and presents a Quranic model by which humans, within their realm of agency, can acquire, preserve, and stabilize divine mercy in favorable events, and employ strategies to transform hidden affliction into inner mercy.

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Studies of Ahl al-Bayt, University of Isfahan. Email: bahrame1918@gmail.com
2. Ph.D. in Islamic Studies, University of Isfahan. Email: hashmysadat@gmail.com
3. Ph.D. Candidate, University of Isfahan (Corresponding Author).
Email: samiraabbaspour66@gmail.com

* Bahrami, H. Hashemi, M. Abbaspour, S (2025). An Analysis of Quranic Strategies for Human Engagement with Favorable Life Events Based on the Types of Verses on Mercy and Affliction. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 6(22), pp. 41-69.
<https://doi.org/10.22081/jqss.2025.69819.1325>

According to the findings, the Quranic mechanisms for acquiring, preserving, and stabilizing divine mercy in events that are outwardly and inwardly merciful include: faith and piety, strengthening a sense of gratitude, making use of supplication, showing appreciation and courtesy, being among the doers of good (*muhsinin*), regularly paying alms (*zakat*) and giving charity (*infaq*) with divine intention. Meanwhile, the strategies for transforming hidden affliction into inner mercy in events that are outwardly favorable include: not turning away from God in times of prosperity, avoiding arrogance mixed with the illusion of being honored, avoiding heedlessness and ingratitude when receiving blessings, increasing one's inner capacity and avoiding transgression when blessed, steering clear of hostility and greed, refraining from despotism and the desire for dominance, and avoiding disbelief in order not to fall into divine reprieve (*imhal*).

Keywords

Mercy, Affliction, Event, Human, Quran.



تحليل الحلول القرآنية لمواجهة الإنسان للأحداث السعيدة في الحياة بناءً على أنواع آيات النعمة والغضب

حمزة علي بهرامي^١ مريم سادات هاشمي^٢ سميرا عباسپور^٣

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٩/٠٢ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١٢/٠٥ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٤/١٤ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٥/٢٨

الملخص

في الحياة، يواجه الإنسان أحداثاً سارة وممتعة يجهل معناها الباطني. أحياناً يكون المعنى الباطني للحدث سعيداً، وأحياناً يكون غير سار. وبما أن طريقة التعامل مع مثل هذه الأحداث مؤثرة في مدى الاستفادة من الرحمة الإلهية والوصول إلى البصيرة الصحيحة، وأن القرآن الكريم هو المرجع الوحيد في هذا الصدد، فإن تناول موضوع البحث يبدو ضرورياً. وقد قدمت هذه الدراسة، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي، ودراسة آيات الرحمة والغضب، نموذجاً قرآنيّاً يكتسب فيه الإنسان، ضمن نطاق اختياره، الرحمة الإلهية ويحافظ عليها ويعززها في الأحداث السارة، ويطبق استراتيجيات لتحويل الغضب الباطني إلى رحمة باطنية. وبحسب نتائج البحث فإن الآلية القرآنية لاكتساب الرحمة الإلهية وحفظها وترسيخها في حدث هو رحمة ظاهراً وباطناً هي الاستفادة من الإيمان والتقوى، وتقوية روح الشكر، واستخدام الدعاء والشكر

١. أستاذ مشارك، قسم المعارف، كلية الإلهيات وتعاليم أهل البيت، جامعة أصفهان. bahrame1918@gmail.com
٢. دكتوراه، جامعة أصفهان. hashmysadat@gmail.com
٣. طالب دكتوراه، جامعة أصفهان (المؤلف المسؤول). samiraabbaspour66@gmail.com

* بهرامي، حمزة علي، سادات هاشمي، مريم، عباسپور، سميرا. (٢٠٢٥م). تحليل الحلول القرآنية لمواجهة الإنسان للأحداث السعيدة في الحياة بناءً على أنواع آيات النعمة والغضب، الفصلية العلمية - الترويحية لدراسات علوم القرآن، ٦(٢٢)، صص ٤١-٦٩.

<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.69819.1325>

والأدب، والانخراط في صفوف المحسنين، ومواصلة إخراج الزكاة والإنفاق بدافع إلهي؛ ومن استراتيجيات تحويل النعمة الباطنية إلى رحمة باطنية في الأحداث التي تبدو سارة: عدم الابتعاد عن الله عند تلقي النعم، وتجنب الشعور بالغطرسة مع وهم الشرف، وعدم التهاون ونكران الجميل عند تلقي الرحمة، وزيادة القدرة والسعة الوجودية وعدم التمرد عند تلقي النعم، وتجنب العناد والطمع، وتجنب الاستبداد والطموح، وتجنب الكفر حتى لا يقع في الاستدراج.

الكلمات الرئيسية

الرحمة، النعمة، الحدث، الإنسان، القرآن.



واکاوی راهکارهای قرآنی مواجهه انسان با رخدادهای خوشایند زندگی براساس گونه‌های آیات رحمت و نعمت

حمزه علی بهرامی^۱ مریم سادات هاشمی^۲ سمیرا عباس‌پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷



چکیده

انسان در زندگی با رخدادهای خوشایندی مواجه می‌شود که باطن آن برای او ناشناخته است. گاه باطن رخداد نیز خوشایند و گاه باطن آن نعمت‌بار خواهد بود. از آنجاکه نحوه رویارویی با چنین رخدادهایی در میزان بهره‌مندی از رحمت الهی و رسیدن به بینش صحیح موثر است و قرآن یگانه مرجع در این راستاست، پرداختن به موضوع پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی، با بررسی آیات حوزه رحمت و نعمت، مدلی قرآنی عرضه کرده که انسان در حوزه اختیار خود در رخدادهای خوشایند، رحمت الهی را کسب، حفظ و تثبیت کرده و راهکارهای تبدیل نعمت باطنی به رحمت باطنی را به کار بندد. بنابر یافته‌های پژوهش، سازوکار قرآنی کسب، حفظ و تثبیت رحمت الهی در رخدادی که در ظاهر و باطن رحمت است، بهره‌گیری از ایمان و تقوا، تقویت روحیه شکرگزاری، استفاده از دعا، قدرشناسی و ادب، قرار گرفتن در زمره محسنین، مداومت در پرداخت

۱. دانشیار، گروه معارف دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

bahrame1918@gmail.com

hashmysadat@gmail.com

۲. دکترای کلام اسلامی، دانشگاه اصفهان.

۳. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

samiraabbaspour66@gmail.com

* بهرامی، حمزه علی؛ هاشمی، مریم سادات؛ عباس‌پور، سمیرا. (۱۴۰۳). واکاوی راهکارهای قرآنی مواجهه انسان با رخدادهای خوشایند زندگی براساس گونه‌های آیات رحمت و نعمت. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۶(۲۲)، صص ۴۱-۶۹.

<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.69819.1325>

زکات و انفاق با انگیزه الهی؛ و راهکارهای تبدیل نعمت باطنی به رحمت باطنی در رخداد خوشایند به ظاهر رحمت، عدم اعراض از خداوند هنگام برخورداری، دوری از حس تکبر توأم با توهّم اکرام، عدم غفلت و ناسپاسی هنگام بهره‌مندی از رحمت، بالا بردن ظرفیت وجودی و عدم طغیان هنگام بهره‌مندی، دوری از عناد و طمع، پرهیز از خودکامگی و ریاست‌طلبی و دوری از کفر جهت گرفتارنشدن در امهال است.

کلیدواژه‌ها

رحمت، نعمت، رخداد، انسان، قرآن.



مقدمه

انسان در طول زندگی خود با رخداد‌های گوناگون مواجهه است. گاه در فراز است و گاه در فرود؛ گاه خوشی‌ها به سویش می‌شتابند و گاه سختی‌ها او را در تنگنا و فشار قرار می‌دهند. هنگام مواجهه با خوشی‌ها در ابتدا احساس خوشبختی می‌کند؛ اما پس از تأملی اندک ترس از دست دادن آن، ذهنش را مشوش می‌سازد. او نگران است که در باطن این رخداد به ظاهر رحمت چه نهفته است و مبادا خوشی از او گرفته شود یا او را به غفلت بکشاند یا خطر و شری در کمین او باشد. اگر انسان، نگاه درون دینی داشته باشد نگران امتحان و ابتلا بودن رخداد است و می‌اندیشد نکند این رخداد به ظاهر نیکو، فرجامی تلخ داشته باشد یا مکاری از جانب حق یا سنتی مانند استدراج و نشان رهاشدن بنده باشد. وقوع رخداد‌های گوناگون در مسیر زندگی هر انسان، قطعی و حتمی است و هیچ کس نیست که مورد آزمون الهی قرار نگیرد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَيَّ فِتْنَةٍ وَلَكِنْ مَنِ اسْتَعَاذَ فَلَيْسَ عَدُوًّا مِنْ مُمِضَاتِ الْفِتَنِ؛ کسی از شما نگوید خدایا از فتنه به تو پناه می‌برم! چه هیچ کس نیست جز که در فتنه‌ای است، لیکن آن که پناه خواهد از فتنه‌های گمراه کننده پناه بخواهد (نهج البلاغه، کلمات قصار ۹۰). او در دنیا در معرض رخداد‌های خوشایند و ناخوشایند قرار می‌گیرد و به حسنات و سیئات «وَبَلَّوْنَاَهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (اعراف، ۱۶۸) و خیر و شر «وَأَنْبَلُواكُمْ بِالشَّرِّ وَالْحَيْرِ فِتْنَةً وَإِنَّا نُرْجِعُونَ» (انبیاء، ۳۵) آزموده می‌شود.

رخداد‌های خوشایند زندگی انسان که در ظاهر رحمت الهی را به ذهن متبادر می‌کنند به دو دسته کلی تقسیم پذیرند:

الف) رخداد‌های خوشایندی که در ظاهر و باطن خیر و رحمت‌اند.

ب) رخداد‌های خوشایندی که در ظاهر خیر و رحمت‌اند، ولی در باطن سختی و نعمت به همراه دارند.

پرسش اصلی این پژوهش آنست که راهکار عملی قرآن در کسب، حفظ و تثبیت

رحمت الهی در رخدادهای دسته اول و راهکار تبدیل نعمت باطنی به رحمت باطنی در رخدادهای دسته دوم در حوزه اختیار انسان چیست؟ به بیان دیگر، اگر رخداد در ظاهر و باطن رحمت است، انسان در حوزه اختیار خود چگونه رحمت را کسب، حفظ و تثبیت نماید و اگر رخداد در ظاهر رحمت و در باطن نعمت است، انسان چگونه نعمت باطنی را در عین حفظ ظاهر در حوزه اختیار خود به رحمت تبدیل کند؟

قرآن یگانه کتاب راهنما جهت عرضه الگو و راهکارهای عملی نوع مواجهه با رخدادهای و مهمترین، بلکه یگانه مرجع موجود جهت یافتن نسخه تضمین شده در این راستا است. واکاوی قرآن با موضوع مذکور نشان می‌دهد چنین رخدادهایی در برخی آیات به تصویر کشیده شده‌اند و این آیات قابلیت استخراج الگو و ارائه راهکار عملی در راستای تطبیق مفاد آیه مورد نظر بر رخدادهای زندگی به منظور عملکرد صحیح انسان را دارند.

در پژوهش حاضر دو نکته دارای اهمیت است:

اول، در رده‌بندی آیات، تنها به لفظ «رحمت» و «نعمت» اکتفا نشده و آیاتی که از لحاظ مفهومی بیانگر رحمت و نعمت الهی هستند نیز گردآوری شده‌اند. دوم، دستگاه فکری مذکور برای انسان مومن کاربردی است و طبعاً برای غیر مومن قابل استفاده نخواهد بود.

در زمینه رحمت و نعمت و ابتلائات دنیوی، آثار گوناگونی از جمله انعطاف‌پذیری مومنان در مواجهه با ابتلائات، نوشته کوثر حلال‌خور (حلال‌خور، ۱۳۹۹، صص ۶۷-۹۲)، واکتش انسان در برابر نعمت‌ها در قرآن، نوشته زینب روستایی (روستایی، ۱۳۹۵، صص ۱۲۹-۱۴۵)، سنت تبدیل نعمت به نعمت از منظر المیزان، نوشته محمدتقی مبشری (مبشری، ۱۳۹۸، صص ۱-۱۱)، به نگارش در آمده است؛ اما در مورد واکاوی آیات رحمت و نعمت در قرآن کریم و تطبیق آن با رخدادهای زندگی از حیث ظاهر و باطن به منظور ارائه سازوکارهای قرآنی در کسب، حفظ و تثبیت رحمت الهی و عرضه راهکار جهت تبدیل نعمت باطنی رخدادهای به ظاهر رحمت به رحمت باطنی که موضوع تحقیق حاضر است، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

اهمیت پرداختن به این موضوع از آن جهت است که انسان با توجه به الگوی قرآنی حاصل از این پژوهش بتواند رحمت الهی را در ظاهر و باطن رخدادهای زندگی در حوزه اختیار خویش کسب و تثبیت کرده و با بینش قرآنی صحیح راهکارهای عملی تبدیل نعمت باطنی به رحمت باطنی را در رخدادهای به ظاهر رحمت به کار بندد و از هراس فرجام رخدادهای به ظاهر نیکو رهایی یابد.

۱. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به اصل بحث، ابتدا مفاهیم محوری پژوهش تبیین می‌شود:

رحمت: تجلی و به وقوع پیوستن شفقت، رأفت، رقت، عطوفت، لطافت، توفیق، محبت، نعمت، احسان، فضل و مغفرت در عالم خارج است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۹۸).

نقمت: مواخذه همراه با اکراه و از مصادیق آن طعن و عتاب و انکار و عقوبت است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۲۲۷).

خیر: دلپسند و مرغوب و چیزی که همه به آن رغبت می‌کنند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۱۷).

شر: آنچه در آن ضرر و سوء اثر و فساد است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۳۴).

نعمت: راحتی و مال و در مقابل فقر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۵۸۰).

۲. رده‌بندی آیات حوزه رحمت از حیث ظاهر و باطن

قرآن کریم در حوزه رحمت و نعمت آیات بسیاری دارد که در آنها به بیان رخدادهای خوشایند و ناخوشایند زندگی انسان می‌پردازد؛ گاه به صورت کلی رفتار انسان‌ها با بینش متفاوت را هنگام مواجهه با رخدادهای گوناگون به تصویر می‌کشد و مورد تحلیل قرار می‌دهد و گاه به بیان مصادیق می‌پردازد.

آیات حوزه رحمت با دیدگاه مذکور و از حیث ظاهر و باطن در دو دسته کلی تقسیم‌پذیر است:

(۱) آیاتی که در ظاهر و باطن رحمت الهی را بیان می‌کنند.

(۲) آیاتی که در ظاهر رحمتی را بیان می‌کنند که در باطن نقمت است.

انسان می‌تواند در رخدادهای خوشایندی که در ظاهر رحمت الهی را به ارمغان دارند، با رهنمودهای آیات حوزه رحمت و نعمت و سازوکارهای ارائه‌شده در قرآن کریم در هر حوزه چنین عمل کند:

- در رخدادهای خوشایندی که در ظاهر و در باطن رحمت الهی هستند، رحمت الهی را کسب، حفظ و تثبیت نماید.

- در رخدادهایی خوشایندی که در ظاهر رحمت و در باطن نعمت هستند، در حوزه اختیار خود با حفظ ظاهر رخداد، باطن آن را نیز به رحمت تبدیل کند.

در ادامه به تفصیل در مورد راهکارهای استخراج‌شده از آیات قرآن کریم و الگوها در هر رخداد پرداخته می‌شود.

۳. راهکار کسب حفظ و تثبیت رحمت الهی

اولین دسته از آیات حوزه رحمت در رخدادهای خوشایند، آیاتی هستند که در ظاهر و باطن، رحمت الهی را به تصویر می‌کشند و رهنمودهای این آیات، راهکار عملی مواجهه با رخدادهای مشابه در زندگی انسان هستند. بررسی این آیات نشان می‌دهد مهمترین راهکارهایی که قرآن کریم برای کسب حفظ و تثبیت رحمت الهی در رخدادهای خوشایند زندگی که در ظاهر و باطن رحمت الهی‌اند معرفی می‌کند به شرح ذیل است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تالیفات باجماع علوم انسانی

۱-۳. بهره‌گیری از ایمان و تقوای الهی

برخورداری از برکات آسمان و زمین مصداق برخورداری از رحمت الهی است و شرط این برخورداری براساس سیاق شرطی آیه، ایمان و تقوای الهی است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ و اگر اهل قریه‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌ورزیدند بر آنان از آسمان و زمین برکت‌هایی می‌گشودیم» (اعراف، ۹۶). برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۰۱).

اگر انسان در مسیر تکامل به عنوان جزئی هماهنگ با سایر اجزای عالم عمل کند، عالم نیز با او تطابق می‌یابد؛ بدان معنا که اگر اهل ایمان باشد، فرزند صالح این عالم و آن جهان می‌شود و جهان نیز خیر خودش را به سوی او روان می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۷، ص ۶۴۳). این خیر همان برخورداری از برکات آسمان و زمین یا به عبارتی رحمت الهی است که انسان با ایمان به خداوند، به نیکی از آن برخوردار می‌شود. قسمت دوم آیه متضمن این نکته است که برخورداری از برکات آسمان و زمین در صورتی بیانگر رخداد در ظاهر و باطن رحمت است که در پی ایمان و تقوای الهی به انسان اعطا شده باشد و اقدام در جهت عکس یعنی تکذیب آیات الهی، عذاب را در پی دارد و رخدادی چنین، نمایانگر رحمت در ظاهر و باطن تلقی نمی‌شود.

در آیه ۲ و ۳ سوره طلاق نیز تقوای پیشگی، عامل بهره‌مندی از نعمت‌های الهی معرفی شده است و مشابه تعبیر یادشده فوق می‌تواند بیانگر رخداد در ظاهر و باطن رحمت باشد. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ کسی که تقوای الهی پیشه کند و خود را به ترمز بازداری از بدی‌ها مجهز نموده از خدا پروا کند، پروردگار از جایی که گمان نمی‌برد به او روزی می‌دهد». پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره لزوم عمل به این آیه به ابوذر فرمودند: «ای ابوذر اگر تمام مردم به این آیه عمل می‌کردند، همه را کفایت می‌کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۸۱). گشایشی که خداوند به خاطر رعایت حدود الهی به مومن عطا می‌کند، و رای تصور اوست و رحمت خود را از آنجا که گمان نمی‌کند به او می‌رساند؛ بنابراین نزول برکات آسمان و زمین بر انسان مومن و متقی و بهره‌مندی او از نعمت‌های الهی در ظاهر و باطن، رحمت است و با توجه به سیاق شرطی عبارات یادشده از آیات، ایمان آوردن و تقوا پیشه کردن به برخورداری از رحمت الهی منجر می‌شود و راهکار کسب، حفظ و تثبیت رحمت به شمار می‌رود.

۲-۳. تقویت روحیه شکرگزاری

بهره‌مندی انسان از نعمت‌های الهی مصداق برخورداری از رحمت الهی است، همان‌گونه که لغویون نیز در بیان معنای رحمت به تجلی نعمت اشاره نموده‌اند (ابن فارس،

۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۹۸). شکرگزاری هنگام برخورداری از نعمت‌ها باعث افزایش نعمت می‌شود و رحمت الهی را در زندگی تثبیت کرده، بر آن می‌افزاید: «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ و آنگاه را یاد کن که پروردگارتان اعلام داشت اگر سپاس‌گزار باشید به یقین بر شما می‌افزایم» (ابراهیم، ۷). گویاترین عبارت درباره رهاورد شکرگزاری گفتار امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «هر بنده‌ای که به او نعمتی عطا شد و به قلب خود به آن نعمت اقرار و خداوند را به زبان خود ستایش کرد، سخنش به پایان نمی‌رسد، جز اینکه خداوند فرمان دهد که بر نعمت او افزوده شود» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۳۳). خداوند در مورد شکر با صراحت می‌گوید لازیدنکم (مسلمانا نعمتم را بر شما افزون خواهم کرد)؛ اما در مورد کفران نعمت نمی‌گوید شما را مجازات می‌کنم، بلکه تنها می‌گوید: عذاب من شدید است. این تفاوت تعبیر دلیل بر نهایت لطف پروردگار است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۲۷۵)؛ بنابراین ابتدای آیه مذکور که به برخورداری و فزونی نعمت‌های الهی اشاره دارد، قابل انطباق به رخدادهایی است که در ظاهر و باطن بیانگر رحمت‌اند و راهکار شکرگزاری شاه‌کلید بهره‌مندی افزون در این آیه است. نتیجه شکرگزاری افزایش نعمت است که خود نمونه بارز برخورداری از رحمت الهی است و شکرگزاری هنگام بهره‌مندی از نعمت یکی از راهکارهای کسب، حفظ و تثبیت رحمت الهی در رخدادهای در ظاهر و باطن رحمت است.

۳-۳. استفاده از راهکار دعا با قدرشناسی و ادب

اعطای فرزندی صالح به انسان رخدادی است که در ظاهر و باطن بیانگر رحمت الهی است و مطابق آموزه‌های آیات ابتدایی سوره مریم، «دعا» راهکار بهره‌مندی از چنین رحمتی است. خداوند در این آیات از نزول رحمت خویش بر بنده‌اش زکریا حکایت می‌کند و سخن از دعای حضرت زکریا علیه السلام آغاز می‌گردد: «ذَكَرْ رَحْمَتَ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا، إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا؛ این یادی از رحمت پروردگار تو درباره بنده‌اش زکریاست؛ آنگاه که پروردگارش را آهسته ندا کرد» (مریم، ۲، ۳). هنگامی که زکریا علیه السلام

مقام و منزلت و شایستگی مریم علیها السلام را نزد خداوند مشاهده کرد، آرزو کرد فرزندی مانند مریم داشته باشد، گرچه همسر او عقیم و نازا بود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۷۲). دعای زکریا علیه السلام اجابت شد و خداوند در سن پیری به او فرزندی صالح عطا کرد که در مقطعی از زمان بار رسالت را به دوش کشید (انبیا، ۹۰). بایستی تمام امم و مؤمنین به پیامبران تاسی نمایند و صفات و اعمال آنها را سرمشق خود گردانند و ببینند که آنان متصف به چه صفات و اخلاق و اعمال بودند و پیرو آنها گردند تا با آن بزرگواران محشور شوند (امین، ۱۳۶۱، ج ۸، ص ۲۹۸). این رخداد در زندگی زکریا علیه السلام در ظاهر و باطن رحمت الهی و راهکار دعا، عامل کسب و برخوردارگی از آن بود.

از دیگر مصادیق قرآنی در این باب ماجرای مادر مریم علیها السلام و نذر فرزند اوست. هنگامی که بنده‌ای قدرشناسی و ادب داشته باشد، ذات اقدس الهی به‌طور ویژه رحمتش را به‌سوی او سرازیر می‌کند؛ همان‌گونه که همسر عمران فرزند خود را نذر پروردگار نمود و خداوند نذر او را به نیکی پذیرفته، دختری به او عطا فرمود که مادر یکی از برترین پیامبران الهی گردید: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ... فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا؛ یاد کن آنگاه را که همسر عمران گفت: پروردگارا! من نذر کرده‌ام آنچه در شکم دارم آزاد برای تو باشد پس از من بپذیر که تویی شنوای دانا... خداوند آن (دختر) را به نیکی پذیرفت و به نیکی پروراند» (آل عمران، ۳۵ و ۳۷). تعبیر به «انبتهای» از ماده «انبات» به معنی رویانیدن در مورد پرورش مریم اشاره به جنبه‌های تکامل معنوی، روحانی و اخلاقی مریم است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۲۸). این رخداد در ظاهر و باطن برای مادر مریم مظهر برخوردارگی از رحمت الهی بود و رعایت ادب و قدرشناسی در درخواست از خداوند موجب کسب، حفظ و تثبیت رحمت الهی در این رخداد شد؛ بنابراین مصداق یادشده در اعطای فرزند صالح قابل انطباق با رخدادهایی از این جنس خواهد بود که در ظاهر و باطن بیانگر رحمت الهی هستند و دعا و رعایت ادب و قدرشناسی راهکارهای کسب حفظ و تثبیت رحمت الهی در این‌گونه موارد خواهد بود.

۳-۴. قرار گرفتن در زمره محسنین

مکنت حضرت یوسف علیه السلام هنگام صدارت در مصر، مصداق رخدادی است که در ظاهر و باطن رحمت الهی است و راهکار برخورداری از این رحمت الهی، قرار گرفتن در زمره محسنین است. خداوند رحمتش را به هر که بخواهد می‌بخشد و نیکوکاران در این امر از بقیه سزاوارترند: «وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ و بدین گونه یوسف را در آن سرزمین مکانت دادیم... رحمت خود را به هر کس که بخواهیم ارزانی می‌داریم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم» (یوسف، ۵۶). خداوند پاک در جهان دو نوع نظام برقرار می‌دارد: نظام‌های طبیعی مانند کوشش، حکمت، صبر و پایداری، و نظام‌های غیبی مانند ایمان، پرهیزگاری و احسان. یوسف از هر دو نوع نظام برخوردار بود (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۱۸۲). رحمت حق تعالی عام است و هر یک از نیکوکاران به قدر حصه خود از آن نصیبی عایدشان می‌گردد، لیکن بین مشمولین رحمت ایزدی مراتبی است که هر نیکوکاری را به مناسبت نیکوکاری نصیبی از رحمت، عاید وی خواهد گردید (امین، ۱۳۶۱، ج ۶، ص ۳۹۴)؛ بنابراین مصداق یادشده در بهره‌مندی پیامبری چون یوسف علیه السلام از قدرت و مکنت، قابل انطباق با رخدادهایی است که در ظاهر و باطن بیانگر رحمت الهی هستند و «نیکوکاری» راهکار کسب حفظ و تثبیت رحمت الهی در این گونه موارد خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳-۵. مداومت در پرداخت زکات

از دیگر آیاتی که در ظاهر و باطن رحمت الهی را به تصویر می‌کشند، آیه ۱۵۶ سوره اعراف است. «... وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ؛ ... و بخشایشم همه چیز را فرا می‌گیرد و آن را به‌زودی برای آنان که پرهیزگاری می‌ورزند و زکات می‌دهند و به آیات ما ایمان دارند مقرر می‌دارم» (اعراف، ۱۵۶). از جمله وظایف عملی در ادیان آسمانی، که رکن توحید معرفی شده، رعایت حقوق مالی است، یعنی سهمی که به زیردستان اختصاص داده شده

پپردازند، تا میان طبقات اجتماع، مواسات برقرار گردد و اختلاف طبقاتی نباشد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۷۵). لطف و رحمت خاص خداوند تنها شامل حال مؤمن می‌شود. برای همین است که خداوند پس از اعلام رحمت عام خود از گروهی یاد می‌کند که در عصر بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خواهند آمد و به او ایمان خواهند آورد و آنها مشمول رحمت خاص خدا خواهند بود (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۴، ۲۳۹). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در بیان ارتباط زکات و رحمت الهی فرمودند: «خدای عزوجل را سزاوار است که رحمت خود را از کسی که حق خدا در مال خود را بازداشته است بازدارد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷)؛ بنابراین آنچه گذشت، خداوند رحمتش را بر پرداخت کنندگان زکات مقرر فرموده، آنان در ظاهر و باطن مشمول رحمت الهی‌اند و مداومت بر چنین عملی از راهکارهای کسب، حفظ و تثبیت رحمت الهی است.

۳-۶. انفاق کردن با انگیزه الهی

انفاق با انگیزه الهی در زندگی رخدادی در ظاهر و باطن رحمت است. خدا به کسانی که با نیت الهی انفاق می‌کنند تا رضای پروردگار را به دست آورند و در خود این رفتار نیک را ملکه می‌سازند، رحمت بی‌نهایت عطا می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ؛ و داستان کسانی که دارایی‌های خود را در جستجوی خشنودی خداوند و برای استواری خودشان می‌بخشند، همچون باغساری بر پشته‌واره‌ای است که بارانی تند بدان برسد...» (بقره، ۲۶۵). منظور از «تَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ» این است که آدمی زمام نفس را در دست داشته باشد، تا بتواند نیت خالصی را که داشته نگه دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۰۳). از چنین نفوس، که چون سرزمین بلند و خرم و در معرض نور و هوا و ریزش باران است، استعدادها جوشان و سرچشمه خیر، محبت و فضیلت روان می‌شود و افراد خشک و پراکنده را برومند می‌گرداند و بهره‌هایش به مقیاس کشتزارهای فکری و اخلاقی متعارف، تصاعد می‌یابد و و چند برابر می‌گردد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۳۶). همان‌طور که محصول باغی که در مکان مرتفع است، بیش از محصولی است که در

زمین‌های معمولی حاصل‌ده به‌دست می‌آید، انفاق با انگیزه الهی و نیت خالص نیز، رحمت الهی را بیش از حالت معمول در زندگی انسان جاری می‌کند و راهکاری برای حفظ و تثبیت رحمت الهی به‌شمار می‌آید.

۴. راهکارهای تبدیل نعمت باطنی به رحمت باطنی

دومین دسته از آیات حوزه رحمت در رخدادهای خوشایند، آیاتی هستند که در ظاهر رحمتی را بیان می‌کنند که در باطن نعمت است و رهنمودهای این آیات راهکار عملی مواجهه با رخدادهای مشابه در زندگی انسان است. انسان بایستی در رخدادهایی است که به‌رغم ظاهر لبریز از رحمت، در باطن شر و نعمت‌اند، نعمت باطنی را در حوزه اختیار خویش به رحمت باطنی مبدل سازد. بررسی آیات یادشده نشان می‌دهد راهکارهای تبدیل نعمت باطنی به رحمت باطنی به شرح ذیل‌اند:

۴-۱. عدم‌اعراض از خداوند هنگام برخورداری

بنده‌ای که هنگام برخورداری از نعمت الهی اعراض کرده، روی می‌گرداند نعمتی که به ظاهر رحمت الهی است را در باطن برای خویش به نعمت مبدل می‌سازد: «وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَا بَاجَانٍ؛ و چون به آدمی نعمت دهیم، روی برمی‌تابد و با تکبر کناره می‌جوید» (اسراء، ۸۳). مقصود این است که دچار کبر و خودپسندی می‌شود؛ زیرا آدم خودپسند، از مردم فاصله می‌گیرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۷۳). خوی و خاصیت انسان برحسب مقام نفسش هنگام نعمت، طغیان و کفر به منعم است، درحالی‌که انسان بنده‌ای است که حق نسبت‌دادن چیزی را به خود ندارد، بلکه باید نعمت را از مولای خویش ببیند و هنگام نعمت خدا را شکر کند و نسبت نعمت را به خدا بدهد (خانی و ریاضی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۳۳۰)؛ بنابراین بررسی مدل قرآنی که خداوند از انسان معترض هنگام برخورداری از رحمت الهی ارائه می‌کند، نشان می‌دهد انسان مومن برای تبدیل نعمت باطنی رخداد به ظاهر رحمت، به رحمت باطنی بایستی همواره به یاد خداوند باشد و رو به درگاه معبود خویش نماید.

۲-۴. دوری از حس تکبر توام با توهم اکرام

انسانی هنگام ابتلا و برخورداری از نعمت، گمان می‌کند چون نزد پروردگارش ارزشمند بوده از رحمت الهی بهره‌مند شده و به قولی تکبر توام با توهم اکرام داشته باشد، آنچه در ظاهر رحمت الهی است در باطن برای خود به نعمت بدل ساخته است: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَيْنَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنُ؛ اما انسان، چون پروردگارش او را بیازماید و گرامی دارد و نعمت دهد، می‌گوید: پروردگارم مرا گرامی داشت» (فجر، ۱۵). آنها گمان می‌کنند هر کس در دنیا دارای مال و ثروت و مقام و شهرت گردید، نزد خدا گرامی است و مورد نظر رحمت پروردگار واقع گردیده است (امین، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۱۳۳). انسان نوعاً این‌طور است که هرگاه پروردگارش او را به منظور آزمایش به ثروتی برساند، از موقعیت استفاده می‌کند و می‌گوید: پروردگارم مرا محترم و گرامی داشته که این نعمت و ثروت را به من داده است. به عبارتی تنعم خود را دلیل بر این می‌داند که نزد خدا گرامی و محترم می‌باشد. در صورتی که ثروتمند بودن، دلیل بر سعادت و گرامی بودن نیست (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۸، ص ۲۷۵). بنابراین مدل قرآنی ارائه شده، انسان برای تبدیل نعمت باطنی این رخدادها به رحمت بایستی خداوند را صاحب و مالک اصلی همه چیز بداند و توهم اکرام که به تکبر می‌انجامد را از خود دور کند.

۳-۴. عدم غفلت و ناسپاسی هنگام بهره‌مندی از رحمت

خداوند در قرآن کریم رفتار نابخردانه کسانی که هنگام اضطرار و نعمت رو به درگاه الهی می‌آورند و هنگام فراخی و استجاب دعا روی گردان از رحمت الهی شده، ناسپاسی می‌نمایند، به کرات و با عبارات مختلف بیان فرموده است: «إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْ نَّسِي مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَ جَعَلَ اللَّهُ أَدَاةَ نُصُلٍ عَن سَبِيلِهِ؛ هنگامی که خداوند نعمتی به انسان عطا کند، آنچه را به خاطر آن در گذشته دعا می‌کرد، از یاد می‌برد» (زمر، ۸). «وَلَكِن أَدْقَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ صَرَءَ مَسْتَه لِيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي؛ و هرگاه بعد از سختی و ناراحتی که به او رسیده، نعمت‌هایی را به او بچشانیم، می‌گوید: رفع گرفتاری‌ها شد» (هود، ۱۰). «فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ

الْحَقِّ؛ پس از گرفتاری (در طوفان شدید دریا) همین که آنها را نجات می‌دهیم و به ساحل می‌رسند، به ناحق در روی زمین به ظلم و تجاوز می‌پردازند» (یونس، ۲۳).
 «قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِّنْهَا وَوَيْنَ كُلِّ كَوْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ؛ بگو خداست که شما را از خطرها و هر نوع غم و اندوه نجات می‌دهد» (انعام، ۶۴). «ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ؛ همین که رنج را از شما بر می‌دارد، گروهی از شما به خدای خویش شرك می‌ورزند» (نحل، ۵۴). «فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ صُرَّةَ مَرَّكَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ صُرَّةٍ مَّسَّةٍ؛ همین که ناراحتی را از انسان برطرف می‌سازیم، آنچنان در غفلت فرومی‌رود که گویا هر گز از ما تقاضایی نداشته است» (یونس، ۱۲).

«فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ؛ وقتی سوار کشتی می‌شوند، خدا را از روی اخلاص می‌خوانند، ولی همین که به ساحل می‌رسند، باز به خدای یکتا شرك می‌ورزند» (عنکبوت، ۶۵). «وَ إِذَا غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ كَالظُّلُمِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ؛ و هر گاه موج دریا چون ابرها آنان را بپوشاند، خدا را با اخلاص می‌خوانند، ولی همین که آنها را نجات داده و به ساحل می‌رسند، بعضی از آنها راه اعتدال را پیش می‌گیرند» (لقمان، ۳۲).

«فَلَمَّا أَتَتْهُمَ صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَتْهُمَا فَتَعَلَىٰ اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ وقتی فرزند صالحی بدانها داده شد، برای خدا درباره لطفی که در حقشان کرده بود شریکانی قایل شدند، درحالی که خداوند از آنچه شرك می‌ورزند برتر است» (اعراف، ۱۹۰). یکی از چیزهایی که در سرشت انسان وجود دارد این است که هرگاه برای او گرفتاری پیش آید و گزندی به او برسد، همواره خدا را می‌خواند تا او را از آن گرفتاری نجات بدهد؛ ولی هنگامی که گرفتاری او برطرف شد، خدا را فراموش می‌کند گویا که او نبود که به پیشگاه خدا التماس می‌کرد (جعفری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۹).

نقطه اشتراک مدل رفتاری انسان در مصادیق یادشده در آیات فوق عبارتست از: غفلت، فراموشی ناسپاسی او هنگام برخورداری از مظاهر رحمت الهی. در این صورت، آنچه در ظاهر رحمت الهی است در باطن نعمت تلقی می‌شود و بایستی در پی راهی برای برون شد از آن و تبدیل نعمت باطن به رحمت باطن بود که با توجه به سیاق آیات

راهکار برون شد از نعمت باطنی در چنین رخدادهایی، عدم ناسپاسی، عدم نسیان و عدم غفلت است.

۴-۴. ظرفیت و عدم طغیان هنگام برخورداری

بی ظرفیتی و طغیان هنگام برخورداری از رحمت و وسعت از دیگر عواملی هستند که باطن یک رخداد به ظاهر رحمت را به نعمت مبدل می کند. یکی از بهترین مثال های قرآنی در این باره حکایت ثروت قارون در سوره قصص است. ثروتی که قارون از آن برخوردار بود، در ظاهر رحمت و در باطن نعمت الهی بود. مویذ این مطلب آن است که وی آنچه داشت را حاصل تدبیر و دانش خویش می دانست نه فضل الهی و چنین می گفت: «إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَيَّ عِلْمٍ عِنْدِي؛ همانا آنچه به من داده شده بنا بر دانشی است که نزد من است» (قصص، ۷۸). غافل از اینکه مسبب الاسباب کیست و غافل از اینکه غنا و فقر از صفات خاصه حق است در باب توحید افعالی، چه بسیار اشخاصی که تمام اسباب بر آنها فراهم است و هر چه به کار می زنند نتیجه نمی گیرند و چه بسیار اشخاصی که هیچ گونه اسبابی در دست ندارند و دولت و ثروت بر آنها می بارد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۲۷۷). نتیجه خوی خودپرستی قارون به اینکه گمان می کرد با قدرت روانی و نیروی نفسانی خود مال و ثروت کلان را به دست آورده و نادیده رفتن نعمت بی شمار آفریدگار، آن بود که سرانجام پروردگار طوری او را محکوم به هلاکت نمود که زمین به یکباره او و مسکن و گنج هایش را به درون خود فروبرد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۲۸۰). بنابر مدل قرآنی ارائه شده در حکایت قارون در سوره قصص به نظر می رسد انسان برای تغییر نعمت باطنی رخدادهای به ظاهر رحمت و تبدیل آن به رحمت باطنی، بایستی ظرفیت وجودی خویش را بالا ببرد و هنگام برخورداری، خود را وام دار پروردگار خویش دانسته و طغیان نکند.

۴-۵. دوری از عناد و طمع هنگام برخورداری از وسعت

عناد و طمع هنگام برخورداری و وسعت عامل دیگری است که باطن رخدادهای را به

نقمت تبدیل می‌کند. کسی که با وجود لطف بی‌نهایت خداوند در گشایش روزی و عطایای فراوان، باز بیش از آنچه دارد طلب می‌کند و طمع فزونی دارد با پاسخ قاطع و منفی خداوند مواجه می‌شود: «ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا؛ وَ جَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا؛ وَ بَيْنَيْنَ شُهُودًا؛ وَ مَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا؛ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ؛ كَلَّا إِنَّهُ كَأَن لَّايْتَنَا عَنِينًا» (مدثر، ۱۱-۱۶). حقیقت آنست که مواهب الهی در دنیا تفضل و عنایت حق تعالی برای به‌دست آوردن آخرت است؛ اما گناه انسان با بهره‌گیری سوء از اختیار خود شرایطی را فراهم می‌آورد که از تحصیل مواهب ابدی باز می‌ماند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۷۲)؛ بنابراین انسانی که هنگام برخورداری از نعمت‌های الهی همانند مال فراوان، فرزندان آماده به خدمت و بهترین وسایل زندگی به‌جای قدردانی، با طمع کاری انتظار دارد خداوند به نعمت‌هایش بیفزاید، پروردگار او را سرنگون و هلاک خواهد ساخت؛ همان‌گونه که امام علی علیه السلام طمع را هلاک‌کننده چیز می‌داند: «أَهْلَكَ شَيْءَ الطَّمَعِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۷) و برای رهایی از نعمت باطنی چنین رخدادهایی بایستی از طمع و زیاده‌خواهی دوری گزید.

۴-۶. پرهیز از خودکامگی و ریاست‌طلبی

خداوند بنا به مصالحی ممکن است بنده‌ای را از نعمت ریاست و قدرت برخوردار نماید که از مصادیق رحمت الهی‌اند. اگر این عطای الهی به تقویت حس خودکامگی و ریاست‌طلبی وی منجر شود، این رخداد به ظاهر رحمت برای او در باطن نعمت‌بار خواهد بود. قدرت در اصل اختصاص به خداوند دارد «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (بقره، ۱۶۵). همه قوه و قوت و غلبه بر هر شی، مختص به خدای تعالی و تمام قوای عالم وجود، مقهور قدرت سبحانی است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۰۸). انسان‌هایی که نسبت به این حقیقت معرفت کافی ندارند، از مسیر حق منحرف گشته، با خودکامگی خود را مالک واقعی می‌پندارند.

آیات قرآن کریم نمونه‌های مختلفی از ریاست‌طلبی و خودکامگی انسان‌ها را در طول تاریخ بیان می‌کند. گاه از فرعون که با سرمستی خود را رب‌اعلی می‌خواند یاد

می‌کند (نازعات، ۲۴) و گاه نمرود که بانگ «انا احیی و امیت» سر می‌داد را به تصویر می‌کشد (بقره، ۲۵۸) و عاقبت امر آنان را نشانه‌ای برای آیندگان قرار می‌دهد (یونس، ۹۲). چه بسیارند کسانی که در حال عادی، انسان‌های معتدل، سر به راه، مؤمن و بیدارند؛ اما هنگامی که به مال و مقام و نوایی برسند همه چیز را به دست فراموشی می‌سپارند، و مهمترین مقدمات را زیر پا می‌نهند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۸). بنابر آنچه گذشت انسان جهت تبدیل نعمت باطنی به رحمت باطنی هنگام برخورداری از قدرت و حاکمیت، باید از ریاست‌طلبی و خودکامگی پرهیز کند.

۴-۷. بهاندادن به تمایلات شخصی و محبت نفسانی

گاه انسان در قلبش به چیزی علاقه‌مند است که در باطن مایه شر و گرفتاری اوست «عَسَىٰ أَنْ تُجِئُوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۲۱۶)؛ زیرا باطن آنچه در ظاهر بنا به دیدگاه او رحمت است، ممکن است نعمت باشد و او به هر دلیل قادر به تشخیص ماهیت آن نباشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دوست داشتن چیزی را مایه کوری و کوری انسان معرفی کرده است «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ» (ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۴) و امام علی عَلِيٌّ اجرای امور الهی را بر پایه مصالح می‌دانند، نه براساس میل و رضایت انسان‌ها (إِنَّ اللَّهَ شِحَانُهُ يُجْرِي الْأُمُورَ عَلَيَّ مَا يَقْتَضِيهِ لَا عَلَيَّ مَا تَوْتَضِيهِ) (نیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۲)؛ از این رو با توجه به اینکه انسان مومن خداوند را دانا به اسرار نهان می‌داند، باید رأی خداوند را بر نظر خویش برتری دهد و در رخدادی که به ظاهر رحمت و در باطن شر و نعمت است؛ برای تبدیل نعمت باطنی به رحمت، تشخیص خداوند را اصلح دانسته، به تمایلات نفسانی خود ترتیب اثر ندهد و به علم خداوند در این زمینه اعتماد کند.

۴-۸. دوری از کفر جهت گرفتار نشدن در امهال

انسان به سبب کفر به حال خود رها می‌شود و گرفتار سنت امهال می‌شود؛ بنابراین کافر آنچه به ظاهر برای خود رحمت می‌شمارد، در باطن برایش گرفتاری و نعمت

خواهد بود: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ لِيُرِدَّادُوا إِلَيْنَا وَأَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ و آنان که کفر ورزیده‌اند هرگز مپندارند که مهلتی که به ایشان می‌دهیم برای آنان نیکوست، ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا اینکه بر گناه خویش بیفزایند و بر ایشان عذابی خوارکننده است» (آل عمران، ۱۷۸). آنها که در گناه و عصیان، غرق شوند و طغیان و نافرمانی را به مرحله نهایی برسانند، خداوند آنها را به حال خود وا می‌گذارد و به اصطلاح به آنها میدان می‌دهد تا پشتشان از بار گناه سنگین شود و استحقاق حداکثر مجازات را پیدا کنند. اینها کسانی هستند که تمام پل‌ها را در پشت سر خود ویران کرده‌اند، و راهی برای بازگشت نگذاشته‌اند و پرده حیا و شرم را دریده و لیاقت و شایستگی هدایت الهی را کاملاً از دست داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۸۳). شخصی از امام باقر علیه السلام درباره کافر پرسید که آیا مرگ برای او خیر است یا حیات؟ حضرت فرمودند: «به حکم آیه «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا...» زندگی دنیا به سود کافر نیست و قهراً مرگ برایش بهتر است» (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۹۵)؛ بنابراین فرصت زندگی دنیا برای کافر تنها مهلتی برای سنگین کردن بار گناهانش تلقی می‌شود و برخورداری او از مصادیق رحمت الهی ظاهری است و در باطن برای او نعمت بار خواهد بود. انسان برای برون رفت از نعمت باطنی چنین رخدادی باید خود را از بند کفر‌رہایی بخشد تا در سنت امهال گرفتار نشود و برخورداری از مواهب دنیوی که در ظاهر رحمت است، در باطن برای او به نعمت مبدل نگردد.

نتیجه‌گیری

زندگی انسان لبریز از رخدادهای خوشایند و ناخوشایندی است که دارای ماهیت ناشناخته و گنگ هستند. رخدادهای خوشایند زندگی انسان که در ظاهر، رحمت الهی را به ذهن متبادر می‌کنند به دو دسته کلی قابل تقسیم‌اند:

۱. رخدادهایی که در ظاهر و باطن خیر و رحمت‌اند.
۲. رخدادهایی که در ظاهر خیر و رحمت و در باطن سختی و نعمت‌اند.

قرآن کریم در حوزه رحمت و نعمت، آیات بسیار دارد که در آنها به بیان رخدادهای خوشایند زندگی انسان می‌پردازد و آیات حوزه رحمت با دیدگاه مذکور نیز از حیث ظاهر و باطن در دو دسته کلی قابل تقسیم است:

۱. آیاتی که در ظاهر و باطن رحمت الهی را بیان می‌کنند.

۲. آیاتی که در ظاهر رحمتی را بیان می‌کنند که در باطن نعمت است.

انسان می‌تواند در رخدادهای خوشایندی که در ظاهر رحمت الهی را به ارمغان دارند، با رهنمودهای آیات حوزه رحمت و نعمت و ساز و کارهای ارائه شده در قرآن کریم، در رخدادهای خوشایندی که در ظاهر و در باطن رحمت الهی هستند، رحمت الهی را کسب، حفظ و تثبیت و در رخدادهایی خوشایندی که در ظاهر رحمت و در باطن نعمت هستند، در حوزه اختیار خود با حفظ ظاهر رخداد، باطن نعمت بار آن را نیز به رحمت تبدیل کند.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که:

۱. راهکار عملی قرآن در کسب، حفظ و تثبیت رحمت الهی در رخدادهایی که در ظاهر و باطن رحمت‌اند عبارت است از: بهره‌گیری از ایمان و تقوای الهی، تقویت روحیه شکرگزاری، استفاده از راهکار دعا، قدرشناسی و ادب، قرار گرفتن در زمره محسنین، مداومت در پرداخت زکات و انفاق با انگیزه الهی.

۲. راهکارهای عملی قرآن در تبدیل نعمت باطنی رخدادهای خوشایندی که در ظاهر بیانگر رحمت‌اند به رحمت، در حوزه اختیار انسان عبارتند از: عدم اعراض از خداوند هنگام برخورداری، دوری از حس تکبر توأم با توهم اکرام، عدم غفلت و ناسپاسی هنگام بهره‌مندی از رحمت، بالا بردن ظرفیت وجودی و عدم طغیان هنگام بهره‌مندی، دوری از عناد و طمع هنگام برخورداری از وسعت، پرهیز از خودکامگی و ریاست‌طلبی، بها ندادن به تمایلات شخصی و محبت نفسانی و دوری از کفر جهت گرفتار نشدن در امهال.

بنابراین در مواردی که امکان‌پذیر است انسان می‌تواند در رخدادهای خوشایند زندگی، شرایط موجود را با مدل ارائه شده از آیات حوزه رحمت و نعمت در قرآن

کریم که شرایط مشابه را به تصویر می‌کشند، مقایسه نماید. سپس در حوزه اختیار خویش در رخدادهایی که در ظاهر و باطن رحمت‌اند از ابزارهای فوق جهت کسب، حفظ و تثبیت رحمت الهی و در رخدادهایی که در ظاهر رحمت و در باطن نقت‌اند، با بینش قرآنی صحیح و استفاده از راهکارهای عملی ارائه شده، نقت باطنی را در عین حفظ رحمت ظاهر، به رحمت باطنی مبدل سازد و از هراس فرجام رخدادهای به ظاهر نیکو رهایی یابد.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه.

ابن أبي جمهور، محمد بن زين الدين. (۱۴۰۵ق). عوالي اللثالي العزيزية في الأحاديث الدينية (ج ۱). قم: دار سيد الشهداء.

ابن بابويه، محمد بن علي. (۱۴۱۳ق). من لا يحضره الفقيه (ج ۲، مصحح: علي أكبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقائيس اللغة (ج ۲). قم: مكتب الاعلام الاسلامي.

ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۲). بيروت: دار صادر.

امين، سيده نصرت. (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسير قرآن (ج ۶، ۷، ۸، ۱۵). تهران: نهضت زنان مسلمان.

تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحكم و درر الكلم (ج ۱)، محقق: سيد مهدي رجائي). قم: دارالكتاب الإسلامي.

جعفری، يعقوب. (۱۳۷۷). تفسير كوثر (ج ۴). قم: هجرت.

جعفری، يعقوب. (۱۳۸۱). تفسير كوثر (ج ۵). قم: هجرت.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشيعة (ج ۱). قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.

حسينی شاه عبدالعظيمی، حسين بن احمد. (۱۳۶۱). تفسير اثني عشری (ج ۱). تهران: ميقات.

حسينی همدانی، سيد محمد حسين. (۱۴۰۴ق). انوار درخشان (ج ۷، ۱۲). تهران: كتابفروشی لطفی.

حلال خور، كوثر و همكاران. (۱۳۹۹) انعطاف پذيری مومنانه در مواجهه با ابتلائات، علوم حديث، دوره ۲۵، شماره ۳، صص ۶۷-۹۲.

- خانی، رضا؛ ریاضی، حشمت‌الله. (۱۳۷۲). ترجمه بیان السعادة في مقامات العبادة (ج ۸). تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- روستایی، زینب؛ انصاری، زهرا. (۱۳۹۵). واکنش انسان در برابر نعمت‌ها در قرآن. مشکوه. دوره ۳۵، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۴۵.
- طالقانی، سیدمحمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن (ج ۲). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیرالقرآن (ج ۲، ۸). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۶). تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. نجف: المكتبة الحیدریة.
- طیب، سیدعبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱۰، ۱۳). تهران: انتشارات اسلام.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی (ج ۱، مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی). تهران: المطبعة العلمية.
- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (ج ۲). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مبشری، محمدتقی. (۱۳۹۸). سنت تبدیل نعمت به نعمت در المیزان. پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی. دوره ۵، شماره ۱۶، صص ۱-۱۱.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار (ج ۶۷). بیروت: دار احیاء تراث عربی.
- مدرسی، سیدمحمدتقی. (۱۳۷۷). تفسیرهدایت (ج ۵). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۱۲). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). مجموعه آثار (ج ۲۷، چاپ بیستم). تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۷). تفسیر نمونه (ج ۲، ۳، ۱۰). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نجفی خمینی، محمدجواد. (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان (۱۸). تهران: انتشارات اسلامی.

References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

'Ayyashi, M. b. M. (1960). *Tafsir al-'Ayyashi* (Vol. 1, S. H. Rasuli Mahallati, Ed.). Tehran: al-Matba'a al-'Ilmiyya. [In Arabic]

Amin, N. (1982). *Makhzan al-'irfan dar tafsir-i Qur'an* (Vols. 6, 8, 15). Tehran: Muslim Women Association. [In Persian]

Halalkhor, K., et al. (2020). Faithful flexibility in facing tribulations. *Hadith Studies*, 25(3), pp. 67-92. [In Persian]

Hosseini Hamadani, S. M. H. (1983). *Anwar-i Durakhshan* (Vols. 7, 12). Tehran: Lotfi Bookstore. [In Persian]

Hosseini Shah 'Abd al-'Azimi, H. b. A. (1982). *Tafsir-i Ithna 'Ashari* (Vol. 1). Tehran: Miqat. [In Persian]

Hurr Amili, M. b. H. (1988). *Wasa'il al-Shi'a* (Vol. 1). Qom: Mu'assasat Al al-Bayt. [In Arabic]

Ibn Abi Jumhur, M. b. Z. (1985). *Awali al-la'ali al-aziziyya fi al-ahadith al-diniyya* (Vol. 1). Qom: Dar Sayyid al-Shuhada. [In Arabic]

Ibn Babawayh, M. b. A. (1992). *Man la yahduruhu al-faqih* (Vol. 2, A. A. Ghafari, Ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]

Ibn Faris, A. (1983). *Mu'jam maqayis al-lugha* (Vol. 2). Qom: Maktab al-I'lam al-Islami. [In Arabic]

Ibn Manzur, M. b. M. (1993). *Lisan al-'Arab* (Vol. 12). Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]

Jafari, Y. (1998). *Tafsir Kawthar* (Vol. 4). Qom: Hijrat. [In Persian]

Jafari, Y. (2002). *Tafsir Kawthar* (Vol. 5). Qom: Hijrat. [In Persian]

Khani, R., & Riyazi, H. (1993). *Translation of Bayan al-sa'ada fi maqamat al-'ibada* (Vol. 8). Tehran: Payame Noor Center for Publications and Printing. [In Persian]

- Majlisi, M. B. (1983). *Bihar al-anwar* (Vol. 67). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N., et al. (2008). *Tafsir Nemoune* (Vols. 2, 3, 10). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]
- Mobasheri, M. T. (2019). The tradition of transforming blessings into affliction in al-Mizan. *Rsearch in Language Teaching and Persian Literature*, 5(16), pp. 1-11. [In Persian]
- Modaresi, S. M. T. (1998). *Tafsir-i Hidayat* (Vol. 5). Mashhad: Astan Quds Razawi Foundation for Islamic Studies. [In Persian]
- Motahari, M. (2006). *A collection of Works* (Vol. 27, 20th ed.). Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Mustafawi, H. (1981). *Al-Tahqiq fi kalimat al-Qur'an al-karim* (Vol. 12). Tehran: The Center for Books Translation and Publications. [In Persian]
- Najafi Khomeini, M. J. (1978). *Tafsir Asan* (Vol. 18). Tehran: Islamiyya Publications. [In Persian]
- Qarashi, S. A. A. (1992). *Qamus al-Qur'an* (Vol. 2). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]
- Roostaei, Z., & Ansari, Z. (2016). Human reaction to adversities in the Qur'an. *Meshkat*, 35(1), 129-145. [In Persian]
- Tabarsi, 'A. b. H. (1965). *Mishkat al-anwar fi ghurar al-akhbar*. Najaf: al-Maktaba al-Haydariyya. [In Arabic]
- Tabarsi, F. b. H. (1993). *Majma' al-bayan fi tafsir al-Qur'an* (Vols. 1, 6). Tehran: Naser Khosrow. [In Arabic]
- Tabataba'i, S. M. H. (1996). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an* (Vols. 2, 8). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Taleqani, S. M. (1983). *A light from the Qur'an* (Vol. 2). Tehran: Intishar Company. [In Persian]

- Tamimi Amidi, A. b. M. (1990). *Gurar al-hikam wa durar al-kalim* (Vol. 1, S. M. Raja'i, Ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
- Tayyib, S. 'A. (1999). *Al-Tayyib al-bayan fi tafsir al-Qur'an* (Vols. 10, 13). Tehran: Islamic Publications. [In Persian]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی